

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن

شهلا کاظمی پور

چکیده: ازدواج واقعه ای اجتماعی، زیستی و فرهنگی است که به دلیل نقش بنیادین آن در تشکیل خانواده از اهمیت بسزایی برخوردار است. بطوریکه پایداری گروه و زندگانی کمی و کیفی نسلهای متوالی به ازدواج بستگی دارد. ازدواج یکی از نهادهای اجتماعی است که برای انجام وظایف خانواده بوجود آمده است، یعنی تولید نسل، پرورش کودکان، انتقال فرهنگ و وسیله ای برای ایجاد نظم در روابط افراد. هر جامعه ای در مورد شکل و ابعاد پیوند جنسی قوانینی دارد و سن شروع پیوند جنسی نیز تابع این قوانین است که معمولاً در کشورهای مختلف بین ۱۳ تا ۲۷ سال متغیر است.

سن قانونی ازدواج در ایران ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران است. آمار و ارقام بیانگر این است که ازدواج زنان و مردان در ایران در گستره سنی ۳۵-۱۲ سال برای زنان و ۴۰-۱۵ سال برای مردان در نوسان است. از سال ۱۳۴۵ به بعد بتدریج متوسط سن ازدواج زنان در ایران افزایش یافت و از ۱۸/۴ سال به ۲۳/۲ سال در سال ۱۳۸۱ رسید.

الگوی سنی ازدواج در ایران بر اساس باور مردم به این گونه است که شوهر باید از زن بزرگتر باشد و میزان تفاوت سن از ۵ تا ۱۰ سال را لازم می دانند. آمارهای موجود نشان می دهد که بین سن ازدواج زوجین در سال ۱۳۴۵، ۶/۶ سال و در سال ۱۳۸۱، ۲/۷ سال اختلاف وجود داشته است. افزایش سن زنان در ازدواج و عدم تغییر در سن ازدواج مردان از اختلاف سنی زوجین کاسته است. در ضمن با افزایش میانگین سنی ازدواج زنان فاصله اختلاف سنی زوجین با کاهش بیشتر همراه است.

بین سن ازدواج، سواد، تحصیلات، قومیت، محل سکونت در شهر و روستا و بطور کلی پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد ارتباط وجود دارد. همچنین ساختمان سنی جمعیت (عدم تناسب بین زنان و مردان ازدواج نکرده) از عوامل تاثیر گذار بر تغییرات سن ازدواج در ایران است.

واژه های کلیدی: اختلاف سن زوجین، پایگاه اقتصادی اجتماعی، مجرد قطعی،

سن ازدواج، زودرسی ازدواج، عمومیت ازدواج، قومیت

مقدمه

ازدواج یکی از وقایع مهم حیاتی است که از نظر اجتماعی بعنوان پیوندی با ثبات بین زن و مرد شناخته می شود که در بستر خانواده و همزمان با آن دچار تغییر و تحولات عمیقی در تمامی ابعاد گشته است.

یکی از عوامل اصلی ازدواج کشش جنسی است که عامل بلوغ در آن نقش اساسی دارد. این سن از کمی بیش از ۱۲ سال تا ۱۷ سال متغیر است. ولی سن شروع بلوغ به این معناست که فرد می بایست در آن سن ازدواج نماید. بهمین جهت سن پیوند جنسی یا ازدواج در جوامع مختلف و بین زن و مرد متفاوت است.

هرچند ازدواج به عنوان یک عمل ارادی، تابع خواست، تمایلات و دیدگاههای فردی است، اما زندگی اجتماعی انسان و روابط پیچیده او با پیرامونش، ازدواج را تحت روابطی دو سویه با متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار می دهد و لذا به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد توجه محققین علوم اجتماعی از جمله جامعه شناسان و جمعیت شناسان قرار گرفته است.

نوسانات سن ازدواج برای جمعیت شناسان و مورخانی که به مطالعه دقیق تغییرات آن می پردازند پدیده ای ارزشمند است. آنان بین تغییر در این عامل و تحولات اقتصادی اجتماعی نوعی همبستگی مشاهده کرده اند.

چنانکه ویلیام گود^۱ بر این باور است که تغییرات ملموسی در نظام خانواده در جهان در حال وقوع است که همه این تغییرات در نقطه مشترکی با هم تلاقی می کنند که عبارتند از افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواجهای ترتیب یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر. به عقیده او پارامترهای ازدواج در جوامع مختلف به همگرایی نزدیک می شوند (گود: ۱۹۶۳: ۵۷).

هر جامعه ای در مورد شکل پیوند جنسی قوانینی دارد، از جمله سن ازدواج تابع این قوانین است. بیشتر جوامع سن یا دوره سنی خاصی را برای ازدواج زن و مرد مناسب می دانند. در ایران نیز سن قانونی ازدواج در حال حاضر ۱۳ سال برای زنان و ۱۵ سال برای مردان است ولی آمار و ارقام بیانگر اینست که

^۱. William Goode

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن ۱۰۵

ازدواج زنان و مردان در ایران در گستره سنی ۳۵-۱۲ سال برای زنان و ۴۰-۱۵ سال برای مردان انجام می شود.

ازدواج علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسی و عاطفی فرد نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم می کند و به عنوان هنجاری پذیرفته شده در تمامی کشورهای دنیا به حساب می آید. زمان و میزان احساس نیاز به همدم و ازدواج در بین افراد، متفاوت بوده و از شدت و ضعفهای برخوردار است. برخی از افراد در سنین نوجوانی این نیاز را احساس نموده و مبادرت به ازدواج می کنند، برخی دیگر در سنین جوانی و تعدادی نیز پس از سپری کردن دوران جوانی ازدواج می کنند. البته می بایست اشاره نمود که در جوامع دارای فرهنگ سنتی و توسعه نیافته، قبل از اینکه هر یک از این نیازها احساس شوند والدین و یا اطرافیان برای دختر یا پسر خود همسر انتخاب می کنند.

پدید آمدن نیازهای جنسی، اقتصادی، فرهنگی و عاطفی با سن، میزان تحصیلات، وضعیت اقتصادی اجتماعی و فرهنگی فرد بستگی دارد و هر چه میزان تعلق فرد به جامعه ابتدائی بیشتر باشد، نیازهای فوق در حد نیازهای جنسی و اقتصادی خلاصه می شود و با پیشرفت و توسعه جوامع، نیازها و خواست فرد از ازدواج به شکل نیازهای اجتماعی، فرهنگی و عاطفی خودنمائی می کنند. به تعویق افتادن سن ازدواج برای افراد می تواند باعث سرکوب شدن هر یک از نیازهای فوق گردد و حتی در جوامعی که ارضاء نیازهای جنسی صرفاً در گرو ازدواج نیست، نیازهای عاطفی و اجتماعی- فرهنگی نسبت به داشتن همسر کاملاً احساس می شود. مطالعات نشان داده که برآورده نشدن این نیازها منجر به ایجاد اختلالات اجتماعی روانی در فرد می شود.

البته اگر به تعویق افتادن سن ازدواج به افزایش سرمایه های انسانی فرد منجر گردد و فرد با دیدی بازتر و اندیشمندتر همسر خود را انتخاب نماید، می توان گفت که این تاخیر نقش مثبتی در زندگی فرد داشته است، ولی در بسیاری از مواقع افزایش بیش از حد سن ازدواج باعث سرخوردگی های عاطفی و روانی در فرد می شود که حتی افزایش توانمندی های فردی هم نمی تواند این سرخوردگی ها را درمان کند. در اصطلاح کلی می توان گفت که ازدواج فرد می بایست در سن مطلوب انجام شود نه آنقدر زود که صرفاً مبتنی بر غرایز جنسی و یا اجبارهای اقتصادی باشد و نه آنقدر دیر که منجر به بروز اختلالات روانی اجتماعی و یا حتی آسیب های اجتماعی گردد.

سن متوسط ازدواج زنان در ایران طی سالهای سرشماری (۸۱-۱۳۴۵) بتدریج افزایش یافته و از ۱۸/۴ سال به ۲۳/۲ سال رسیده در صورتی که سن متوسط ازدواج مردان فقط از ۲۵ سال به ۲۵/۹ سال رسیده است. آمارها نشان می دهد بین سن ازدواج افراد باسواد و بیسواد بطور متوسط ۲ تا ۳ سال اختلاف وجود دارد. همچنین شهر نشینی یکی دیگر از عوامل موثر در افزایش سن ازدواج است و افراد شهر نشین به دلیل کاهش حمایت های خانوادگی، اشتغال بیشتر به تحصیلات و تمایل به کسب شغل بهتر و بالاتر، دیرتر ازدواج می کنند.

در این مطالعه تلاش شده تا نوسانات سن ازدواج زنان طی دهه های گذشته بررسی شود و سپس عوامل جمعیتی موثر در این نوسانات مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

مبانی نظری

خانواده اولین و مهمترین نهاد اجتماعی است. خانواده نهادی است که در طول تاریخ و در هر جامعه شکل، ساخت، کارکرد یا کنش معین داشته است. آنتونی گیدنز^۱ می گوید: «نهادهای اجتماعی وسیله پیوند زندگی اجتماعی هستند. آنها ترتیبات اساسی زندگی که انسانها در کنش متقابل با یکدیگر پیدا نموده و از طریق آنها در طول نسلها تداوم می یابند را فراهم می کنند» (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۱۱).

خانواده گروهی از افراد است که با ارتباطات خویشاوندی پیوند یافته اند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی، ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج و یا از طریق تبار که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان، پدر بزرگ و مادر بزرگ ها) را با یکدیگر مرتبط می سازد بوجود می آید. ازدواج می تواند به عنوان پیوند جنسی از نظر اجتماعی به رسمیت شناخته شده و پسندیده بین دو فرد بزرگسال تعریف شود (گیدنز، ۱۳۷۳: ۴۱۳-۴۱۱).

آلن ژیراد^۲ می گوید: «در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی زندگی انسان، ازدواج از اهمیتی بسزا برخوردار است، هم از نظر فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی. هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. ازاینرو هیچ نهادی همانند آن تحت تاثیر دگرگونی های اجتماعی قرار نمی گیرد» (میشل، ۱۳۵۴: ۱۵۱).

^۱. Anthony Giddens

^۲. Alain Girard

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن ۱۰۷

ازدواج را می توان از دیدگاههای مختلف مورد مطالعه قرار داد. بهمین جهت تعاریف متفاوتی برای ازدواج ارائه شده است:

ازدواج را گاه رسم و گاه نهاد اجتماعی خوانده اند و به پیوند جسمانی و اشتراک در زندگی میان مرد و زن اطلاق می شود که به موافقت قانون یا عرف یا دین حاصل می گردد (میشل، ۱۳۵۴، ۱۳۸). کارلسون^۱ در اثرش تحت عنوان " انطباق پذیری و ارتباط در ازدواج " این تعریف را از ازدواج بدست می دهد: «ازدواج فرآیندی است از کنش متقابل بین دو فرد. یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته اند، و بطور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانونی قرار گرفته است» (تیلر، ۱۳۶۸: ۸۱)

سن شروع پیوند جنسی (ازدواج) در جوامع مختلف و بین زن و مرد کاملاً فرق می کند. عوامل موثر در سن ازدواج عبارتند از: سن بلوغ، مقررات دینی و مذهبی، آداب و سنن و فرهنگ جامعه، قوانین و مقررات اجتماعی، وضع اقتصادی، نوع شغل، میزان تحصیلات و جنس فرد. عامل مهم دیگری که در سن ازدواج موثر است نظام خانواده است. در جوامعی که « نظام خانواده گسترده» شایع است، سن ازدواج معمولاً پایین است. در این نظام که مسئولیت تربیت فرزندان بین همه اعضای خانواده مشترک است بچه ها به آسانی مورد قبول قرار می گیرند، بر عکس در جوامعی که هنجار آن، خانواده هسته‌ای است مسئولیت بزرگ کردن فرزندان عمدتاً بر دوش والدین بوده و ازدواج آن قدر به تاخیر می افتد تا فرد بتواند از عهده این مسئولیتها برآید.

بنابراین می توان گفت که سن ازدواج از بسیاری از عوامل اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی تبعیت می کند. معمولاً در اغلب جامعه ها برای مردان و زنان با توجه به شرایط جسمانی، سن بلوغ و موازین عرفی و مذهبی، حداقل سن برای ازدواج تعیین می شود که قبل از رسیدن به آن برای هر دو جنس ازدواج قانونی ممنوع است.

هوارد تیلر^۲ می گوید: با توجه به اینکه یکی از عوامل اصلی ازدواج کشش جنسی است، بنابراین عامل بلوغ در آن نقش اساسی دارد و ازدواج در اکثر موارد پس از سن بلوغ انجام می شود. سن متوسط بلوغ برای افراد از کمی بیش از ۱۲ سال تا ۱۷ سال تغییر می کند. او در ادامه می افزاید: «البته شواهد

^۱. Carlson

^۲. Howard Taylor

نشان می دهد که نوسان سنی فوق بین جمعیت‌های مختلف دارای مبانی وراثتی است، ولی بطور کلی سن متوسط بلوغ در برخی از جوامع زودتر فرا می رسد و در برخی دیرتر. این نوسان عموماً متناسب با وضع تغذیه و استانداردهای زندگی در ارتباط است» (همان: ۸۱).

البته باید اشاره کرد سن شروع بلوغ همیشه به این مفهوم نیست که زن بلافاصله بعد از آن می بایست ازدواج نماید. آن ژیراد می نویسد: «آگاهی‌های جمعیت شناسانه درباره سن همسران به هنگام ازدواج بسیار مفید است. می دانیم که بیشتر اوقات افراد هنگامی با هم پیوند زناشویی می بندند که از لحاظ سنی به هم نزدیک باشند» (به نقل از ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲).

دوبله سی لوگینل^۱ خاطر نشان می سازد: «در رژیم قدیم هر چه سطح زندگی پایین تر بود سن ازدواج دختر عقب تر می رفت ولی در سن ازدواج مردان تاثیری نداشت. از طرف دیگر هنگام بحران و کمی محصول، سن ازدواج در طبقات فقیر از دو حال خارج نبود، یا دخترها خیلی زود شوهر می کردند و یا اصلاً شوهر نمی کردند. او نتیجه می گیرد که وقتی سطح زندگی اقتصادی - اجتماعی پایین بیاید روز به روز تعداد زنهایی که از شوهرانشان مسن تر هستند بیشتر می شود (میشل، ۱۳۵۴: ۱۴۲).

بررسی هالینگشید^۲ به نام "همبستگی سن ازدواج" که میان سالهای ۴۹-۱۹۴۱ در شهر نیوهایون انجام شد نشان می دهد که در ازدواج میان دو فرد مجرد، زنان نسبت به مردان در سن کمتری ازدواج می کنند. اما در مواردی که مرد برای نخستین بار و زن برای دومین بار ازدواج می کند، شوهر معمولاً جوان تر است و اختلاف سنی میان او و همسرش آشکارتر خواهد بود. با این حال فاصله سنی میان دو همسر هنگامی محسوس تر می شود که هر دوی آنها در زناشویی دومشان باشند و سن شوهر میان چهل و پنجاه سال قرار داشته باشد (به نقل از ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲).

همچنین بامیستر^۳ و همکارانش از بررسی خود به نتایج زیر رسیدند:

الف: مردان مایلند با زنان جوان تر از خود ازدواج کنند.

ب: هر قدر شوهر به هنگام ازدواج مسن تر باشد، اختلاف سنی میان او و همسرش به طور متوسط

بیشتر خواهد بود (به نقل از ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲).

^۱ . Double C. Logrolling

^۲ .Holingshead

^۳ . Bamister

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن ۱۰۹

آشفته‌تهرانی در مقاله آمارهای زیستی در ایران و جهان می‌نویسد: «هر چه ازدواج بین زنان و مردان در سنین پائین‌تر و نزدیک‌تر به سن بلوغ صورت گیرد پیش‌روی ازدواج در آن جامعه بیشتر است. در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته زنان کمتر از ۲۰ سال به زناشویی و فرزندزایی می‌پردازند و حال آنکه در جامعه‌های پیشرفته سن زناشویی به منظور به تأخیر انداختن باروری حتی به بعد از ۳۵ سالگی نیز می‌رسد (آشفته‌تهرانی، ۱۳۷۵: ۱۱۵).

تیلر در کتاب باروری و جمعیت می‌نویسد: «هر جامعه‌ای در مورد شکل پیوند جنسی قوانینی دارد. این قوانین عمدتاً در مورد سن ازدواج وضع شده‌اند. بیشتر جوامع سن یا دوره سنی خاصی را برای ازدواج زن و مرد مناسب می‌شناسند. سن قانونی ازدواج در کشورهای مختلف معمولاً بین ۱۳ تا ۲۷ سال متغیر است» (تیلر، ۱۳۶۸: ۵۸).

بهنام در کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران (۱۳۴۸: ۱۵۶) با استفاده از اطلاعات سرشماری سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ به بررسی روند تحولات سن ازدواج در ایران و عوامل موثر بر آن پرداخته است. وی در بررسی خود به این نتیجه رسیده که ازدواج ایرانی بر اثر تحولات ژرفی که در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این سرزمین صورت گرفته است مرحله انتقالی را طی می‌کند و مشخصات قبلی آن دستخوش دگرگونی شده است، چنانکه تمایلی به مشابهت با خصوصیات ازدواج در جامعه‌های صنعتی پدید آمده است. وی با استفاده از آمار مربوط به وضعیت ازدواج به تفکیک جنس در جمعیت ۱۵ سال و بالاتر به این نتیجه رسید که عمومیت ازدواج در بین زنان و جمعیت روستائین بیش از مردان و افراد شهرنشین است. چنانکه در سال ۱۳۴۵، ۹۴ درصد زنان و ۷۲ درصد مردان ۲۹-۲۵ ساله ازدواج کرده بودند.

وی اظهار می‌کند: «در گذشته به دلیل آنکه طلاق معمول نبوده است، مهریه اندک پذیرفته می‌شد. اما از چندی پیش تأثیر زندگی شهری و نامطمئن بودن آینده زنان، بر میزان مهریه افزوده است. سنگینی هزینه‌های مربوط به تهیه جهیزیه و مخارج سنگین جشن ازدواج اشکال دیگری است که دایره همسرگزینی را تنگ‌تر می‌کند و به دنبال آن سن ازدواج را به تأخیر می‌اندازد» (همان، ۱۳۹۰). او در ادامه اضافه می‌کند برخی از مشکلات مالی نیز بر اثر مقتضیات زندگی جدید پدید آمده است. در گذشته به دلیل وجود خانواده پدربزرگ و گسترده، زوجهای جوان بلافاصله بعد از ازدواج به منزل پدر داماد منتقل می‌شدند (پدر مکانی) و با مشکلات هزینه مسکن مستقل مواجه نبودند. اما امروزه وضع اقتصادی و

تفاوت و گاه تضاد سلیقه ها و عقاید ایجاب می کند که نسل تازه زندگی جداگانه ای (نومکانی) ترتیب دهند (همان: ۱۵۴).

بهنام در ادامه می گوید: «انتشار تعلیمات متوسطه و عالی مانع از ازدواجهای زودرس شده است. طولانی شدن دوره تحصیل و ضرورت کسب تخصص و تامین معاش زندگی و ایجاد توقعات اجتماعی جدید چون: میل به داشتن همسر با مدرک تحصیلی عالی و شغل معتبر از عوامل افزایش سن ازدواج در ایران است» (همان: ۱۵۶).

بهنام می نویسد: «در گذشته یکی از عوامل روی آوردن زنان به ازدواج، محرومیت آنها از استقلال اجتماعی و اقتصادی بود. زن در زندگی زناشویی نه فقط به دنبال احترام و اعتبار اجتماعی و اقتصادی بوده است، بلکه گاهی نیز وسایل تامین زندگی مادی زنان جز در خانه شوهر فراهم نمی آمده است». همچنین به اعتقاد او، تغییر شیوه انتخاب همسر که سابقا از طریق والدین صورت می گرفته، تفاوت شیوه زندگی در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی، رواج روزافزون سرگرمیها و تفریحات بیرون از خانه و باب شدن روابط آزاد دو جنس که در مناطق شهری روبه فزونی است و همچنین تنوع طبقات شغلی و اجتماعی از عوامل دیگری است که برافزایش سن ازدواج تاثیر می گذارد (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۵۷).

تحول سن ازدواج در ادوار گذشته ایران

آقاجانیان در مقاله خود «خانواده و تغییر آن در ایران» درباره خصوصیات ازدواج و سن ازدواج در گذشته و تغییرات آن در ایران بیان می کند: «ازدواج زود هنگام برای زنان و مردان ایرانی مرسوم بود. بر اساس گزارشهای مسافران قرن نوزدهم به ایران، اغلب کودکان زمانیکه خیلی کوچک بودند نامزد می شدند و بعد از گذشت چند سال ازدواج می کردند. اگر چه چنین ازدواجهایی به طور کامل از بین نرفته است اما در مقایسه با شرح تاریخی ازدواج کودکان، سن واقعی و قانونی ازدواج افزایش یافته است» (آقاجانیان، ۱۳۹۹۷: ۱۲).

آقاجانیان و مهریار نشان دادند که سن ازدواج طی دوره ۵۵-۱۳۴۶ افزایش یافت و معتقدند که به دلیل فشارهای اقتصادی سن ازدواج به تعویق افتاده است (آقاجانیان و مهریار، ۱۹۹۷: ۷). در ایران قدیم، ازدواج عملی مذهبی محسوب می شد و توسط مراکز مذهبی محلی ثبت ازدواج انجام می گرفت. در سال ۱۳۰۹ ثبت وقایع حیاتی (تولد، ازدواج، طلاق و مرگ) در راستای سایر تغییرات انجام شده توسط حکومت

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن ۱۱۱

رضا شاه، عمومی شد. همچنین توسط ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی که برای اولین بار در سال ۱۳۱۴ به اجرا درآمد سن ازدواج وارد حوزه قانون مدنی ایران شد. در این قانون حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال تعیین شد، ولی علیرغم تعیین سن قانونی برای ازدواج، تا اواسط قرن بیستم سن واقعی ازدواج همچنان پایین بود. در سال ۱۳۴۵، ۴۷ درصد از زنان ۱۹-۱۵ ساله ازدواج کرده بودند که در سال ۱۳۵۵ این رقم به ۳۴ درصد تقلیل یافت. بنابراین بعد از قرنهای متمادی در دهه ۱۳۵۰، شاهد افزایش نسبی سن ازدواج زنان در ایران هستیم. آهنگ افزایش واقعی سن ازدواج برای زنان در دهه ۱۳۵۰ بسیار کم بود. در حقیقت درصد زنان ازدواج کرده ۱۹-۱۵ ساله از ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۲/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت ولی افزایش سن ازدواج در دهه ۱۳۷۰ قابل توجه بوده است. داده های بدست آمده از سرشماریها و آمارگیری های اخیر نشان می دهد که سن ازدواج برای زنان با شدت بیشتری افزایش یافته است، بطوریکه درصد زنان ازدواج کرده ۱۹-۱۵ ساله در سال ۱۳۷۵ به ۱۸ درصد کاهش یافت.

یک مطالعه نمونه ای ملی (آقاجانیان، ۱۹۹۷: ۱۵) در مورد سن ازدواج در ایران نشان می دهد که بیش از ۵۰ درصد زنان متولد شده در سال ۱۳۳۱ تا سال ۱۳۴۷ یعنی قبل از رسیدن به سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده اند. سن قانونی ازدواج در ایران تا سال ۱۳۵۳ برای زنان و مردان به ترتیب برابر ۱۵ و ۱۸ سال تعیین شده بود. پس از دی ماه ۱۳۵۳ برای هماهنگ کردن قوانین ازدواج با سیاست کنترل مولید، این حداقل به ترتیب به ۱۸ و ۲۰ سال برای زنان و مردان افزایش یافت. اما بعد از انقلاب اسلامی برای تبعیت از احکام اسلامی، این حداقل به ۱۳ سال برای زنان (حداقل سن ازدواج دختران با اجازه مراجع قضائی تا ۹ سال نیز قابل کاهش است) و ۱۵ سال برای مردان کاهش یافت (موسوی بلادی، ۱۳۷۸: ۸۹).

دکتر بهنام در کتاب جامعه شناسی خانواده می نویسد: «یکی از ویژگیهای ازدواج از زاویه سن زوجین، در ایران پراکندگی آنست. آنچنان که بازایی هنجاری مشخص به دشواری امکان پذیر است. به عبارت دیگر ازدواج های زودرس در سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی در کنار ازدواجهای در سنین ۲۷ یا ۲۸ سالگی به چشم می خورد و تعیین میانگین به تنهایی قادر به نشان دادن واقعیت امر نیست» (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۵۶).

اهداف بررسی

هدف اصلی در این مطالعه بررسی تغییر و تحولات سن ازدواج زنان در ایران طی دهه های اخیر و شناخت عوامل جمعیتی موثر در این تحولات است. اهداف فرعی عبارتند از:

- شناخت تحولات اختلاف سن زوجین
- شناخت ارتباط بین سن ازدواج زنان و محل سکونت آنها در شهر و روستا
- شناخت ارتباط بین سن ازدواج زنان و سواد و تحصیلات آنها
- شناخت ارتباط بین سن ازدواج زنان و قومیت آنها
- سنجش تاثیرپذیری سن ازدواج از درجه توسعه یافتگی استانها

روش پژوهش

روش بررسی در این مطالعه تحلیل ثانوی است. منابع اطلاعاتی شامل نتایج سرشماری های عمومی نفوس و مسکن در ایران در سالهای ۱۳۷۵-۱۳۴۵ و آمارگیری نمونه ای از ویژگیهای اجتماعی اقتصادی خانوار در سال ۱۳۸۱ هستند، که اطلاعات مورد نیاز از این منابع استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند.

همچنین در مباحث نظری، روش مطالعه اسنادی بوده و کتب و رسالات مرتبط با موضوع، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته اند.

از آنجاکه از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ اطلاعات سرشماری در فاصله ۱۰ ساله وجود دارد، جامعه آماری در این بررسی کل کشور به تفکیک نقاط شهری و روستائی در هر یک از این سالها است، اطلاعات زناشویی و ازدواج از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در هر یک از این مناطق مورد پرسش قرار گرفته و از طریق پرسشنامه و مصاحبه حضوری جمع آوری شده است.

متغیرهایی که در این سرشماری ها به عنوان متغیر مستقل بکار برده شده اند عبارتند از: سن، جنس، مناطق شهری و روستایی و سواد و تحصیلات است.

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن ۱۱۳

یافته های تحقیق

طی محاسبات بعمل آمده از نتایج سرشماری های نفوس و مسکن در ایران در سالهای ۷۵-۱۳۴۵ و آمارگیری نمونه‌ای سال ۱۳۸۱، میانگین سن ازدواج زنان و مردان به شرح جدول شماره ۱ است:

در سال ۱۳۴۵ سن متوسط ازدواج زنان و مردان به ترتیب ۱۸/۴ و ۲۵ سال بوده و بطور متوسط بین سن زوجین ۶/۶ سال اختلاف وجود داشته است.

درسال ۱۳۵۵ میانگین سن ازدواج زنان و مردان به ترتیب به ۱۹/۷ و ۲۴/۱ سال رسیده است. در مقایسه ارقام مربوط به سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ ملاحظه می شود که سن ازدواج زنان در سال ۱۳۵۵ با افزایش نسبی همراه بوده ولی متوسط سن ازدواج مردان تا حدودی کاهش داشته است.

توسعه شهرنشینی و اشاعه تحصیلات برای زنان موجب افزایش متوسط سن ازدواج آنها گردیده و در عوض بهبود وضع اقتصادی و افزایش میزان اشتغال مردان باعث کاهش تقریبی سن ازدواج آنها شده است. این تحولات موجب کمتر شدن فاصله سنی زنان و مردان در حین ازدواج گردیده بطوریکه از ۶/۶ سال در سال ۱۳۴۵ به ۴/۴ سال در سال ۱۳۵۵ رسیده است.

پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) معیارهای انتخاب همسر با تحول و دگرگونی روبرو گردید و ساده زیستی و عدم توجه به تجملات اشاعه پیدا کرد که از نتایج مستقیم آن ثبات و یا کاهش سن ازدواج زنان و مردان بوده است. بطوریکه در سال ۱۳۶۵ رقم متوسط سن ازدواج زنان به ۱۹/۹ سال و متوسط سن ازدواج مردان به ۲۳/۸ سال رسید. در اینجا باید متذکر شد که در صورت عدم وقوع انقلاب اسلامی و تداوم توسعه شهرنشینی و اشاعه تحصیلات، متوسط سن ازدواج زنان در سال ۱۳۶۵ احتمالاً به ۲۱ سال می رسید.

طی سالهای ۷۵-۱۳۶۵ و ۸۱-۱۳۷۵ متوسط سن ازدواج زنان و مردان افزایش یافته ولی شتاب افزایش متوسط سن ازدواج زنان خیلی بیش از مردان بوده، بطوریکه این رقم افزایش برای زنان و مردان در دوره اول (۷۵-۶۵) به ترتیب مساوی ۲/۵ و ۱/۸ سال و در دوره دوم (۸۱-۷۵) به ترتیب برابر ۰/۸ و ۰/۳ سال بوده است.

جدول ۱: میانگین سن ازدواج زنان و مردان در اولین ازدواج در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۸۱

| سال | زن | مرد | متوسط اختلاف سن زوجین |
|------|------|------|-----------------------|
| ۱۳۴۵ | ۱۸/۴ | ۲۵ | ۶/۶ |
| ۱۳۵۵ | ۱۹/۷ | ۲۴ | ۴/۴ |
| ۱۳۶۵ | ۱۹/۹ | ۲۳/۸ | ۳/۹ |
| ۱۳۷۵ | ۲۲/۴ | ۲۵/۶ | ۳/۲ |
| ۱۳۸۱ | ۲۳/۲ | ۲۵/۹ | ۲/۷ |

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵-۱۳۴۵ و ۱۳۸۱

افزایش سهم زنان در آموزش عالی، گسترش اجتماعات شهری، فزونی تنوع فرهنگی، گرایش به بازار کار و اشتغال برای زنان، افزایش بیکاری جوانان و مسائل و مشکلات اقتصادی از جمله مهمترین عوامل افزایش سن ازدواج زنان در ایران به شمار می‌روند. در ضمن فزونی تعداد دختران در معرض ازدواج^۱ در مقابل پسران واقع در گروههای سنی ازدواج نیز یکی از عوامل محدود شدن فرصتهای ازدواج برای زنان است.

با تغییر و تحولات بوجود آمده، جامعه ما با کمتر شدن فاصله سنی زوجین در شروع ازدواج روبرو است و اگر علاوه بر اشاعه همسان همسری از نظر سن، از نظر معیارهای اجتماعی و اقتصادی نیز همسان همسری اشاعه پیدا کند، می‌توان امیدوار بود که از میزان تنش‌های خانوادگی و اختلافات زناشویی کاسته شود.

چنانکه ساروخانی می‌نویسد: «اکثر صاحب‌نظران در این زمینه هم آوازند که تشابه سنی، هم‌ارز با بهترین تعادل در زندگی خانوادگی است. چون انتظارات و شیوه نگرش اشخاص در سنین مختلف فرق می‌کند و افرادی که از لحاظ سنی متفاوت هستند در فرهنگ و اندیشه‌شان نیز تفاوت وجود دارد. لذا تفاوت زیاد سنی با خود تفاوت‌های فرهنگی و جهان بینی را به همراه خواهد آورد و در بقاء ازدواج و سعادت زناشویی تاثیر خواهد گذارد» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۳).

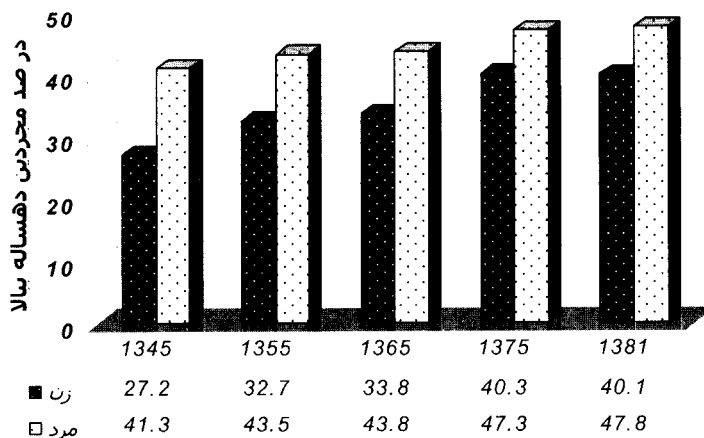
^۱ طی دهه اول انقلاب اسلامی (۶۷-۱۳۵۷) میزان باروری در ایران افزایش یافته و قاعده هرم سنی جمعیت وسیع‌تر شده است. این گروه در سالهای ۷۷-۱۳۶۷ و ۸۱-۱۳۷۷ به تدریج به سن ازدواج رسیده‌اند و چون بین زوجین حدود ۳-۴ سال اختلاف سنی وجود دارد و معمولاً مردان بزرگتر از زنان هستند، در نتیجه مردان متولد شده در سالهای قبل از انقلاب اسلامی می‌بایست با این گروه از دختران ازدواج کنند که بین تعداد آنها تساوی برقرار نبوده و تعداد دختران بیش از تعداد پسران است که به این پدیده مضیقه ازدواج می‌گویند.

ارزیابی ارقام فوق بیانگر اینست که میانگین سن ازدواج مردان در ایران با تحول عمده ای روبرو نبوده و همواره در اطراف سن ۲۵ سال در نوسان است، ولی سن ازدواج زنان طی ۳۶ سال گذشته (۸۱-۱۳۴۵) با افزایش تدریجی همراه بوده و این افزایش در یکی دو دهه اخیر شتاب بیشتری داشته است. پس یکی از دلایل کمتر شدن فاصله سنی ازدواج زنان و مردان در ایران افزایش سن ازدواج زنان و احتمال همسان همسری سنی در بین زوجین است.

درصد مجردین ۱۰ ساله به بالا در هر جامعه با سن ازدواج در آن جامعه ارتباط دارد و هر چه سن ازدواج کمتر باشد، درصد مجردین در آن جامعه نیز کمتر است. به همین منظور جهت پی بردن به نوسانات سن ازدواج در ایران درصد مجردین زن و مرد ده ساله به بالا در سالهای ۸۱-۱۳۴۵ مورد محاسبه قرار گرفته است که نتایج آن در نمودار ذیل منعکس است.

چنانکه ملاحظه می شود درصد مجردین زن و مرد طی سالهای ۸۱-۱۳۴۵ افزوده شده و میزان این افزایش برای زنان خیلی بیش از مردان است. بطوریکه درصد مجردین زن ده ساله به بالا از ۲۷/۲ در سال ۱۳۴۵ به ۴۰/۱ در سال ۱۳۸۱ رسیده و با ۱۳/۲ درصد افزایش همراه بوده، در صورتیکه درصد مجردین مرد از ۴۱/۳ به ۴۷/۸ رسیده و فقط ۶/۵ درصد افزایش داشته است. این ارقام نیز افزایش بیشتر سن ازدواج در زنان را تایید می کنند.

نمودار ۱: درصد مجردین ده ساله به بالا در سالهای ۱۳۴۵-۱۳۸۱ به تفکیک جنس

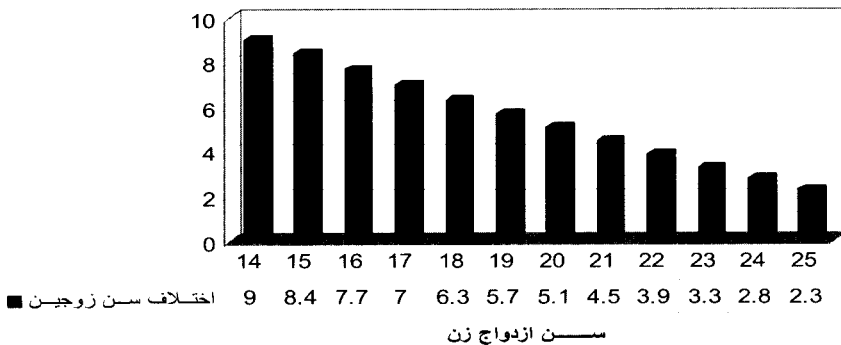


به منظور پی بردن به نوسان سن ازدواج زنان در ایران به محاسبه درصد زنان ازدواج نکرده به تفکیک در گروههای مختلف سنی در سالهای ۸۱-۱۳۴۵ پرداختیم. ارقام محاسبه شده نشان می دهد که در سال ۱۳۴۵، ۹۷/۶ درصد از زنان ۱۴-۱۰ ساله ازدواج نکرده بودند. این رقم در مورد زنان ۱۹-۱۵ ساله به ۵۴/۱ درصد، زنان ۲۴-۲۰ ساله به ۱۳/۴ درصد و زنان ۲۹-۲۵ ساله به ۳/۸ درصد رسیده است. به عبارت دیگر برای اکثریت قریب به اتفاق دختران طی سنین ۲۹-۱۵ سال واقعه ازدواج رخ داده است.

درصد مجردین زن طی سالهای ۸۱-۱۳۴۵ در تمامی گروههای سنی با افزایش همراه بوده است) باستثناء گروههای سنی ۱۹-۱۵ و ۲۴-۲۰ سال در سال ۱۳۸۱ که این تفاوت می تواند مربوط به نوع آمارگیری در سال ۱۳۸۱ باشد) که این امر نیز بیانگر افزایش سن ازدواج برای زنان است. به عنوان مثال در سال ۱۳۴۵ تنها ۳/۸ درصد از زنان ۲۹-۲۵ ساله مجرد بودند، در صورتیکه در سال ۱۳۸۱ این رقم به ۲۷/۶ درصد رسیده، یعنی در سال ۱۳۸۱ بیش از یک چهارم دختران ۲۹-۲۵ ساله هنوز ازدواج نکرده بودند و همچنین در این سال حدود ۱۲ درصد از دختران ۳۴-۳۰ ساله نیز در وضعیت مجرد بسر می بردند.

با توجه به اینکه سن مجرد قطعی زنان در ایران حدود ۴۰ سال است و از این سن به بعد میزان ازدواج زنان به حداقل می رسد، بنابراین می توان پیش بینی نمود که میزان مجرد قطعی زنان از ۱/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به بالای ۱۰ درصد در دهه آینده و بالای ۱۵ درصد در دو دهه بعد برسد. تفاوت سنی زوجین با سن ازدواج زنان همبستگی دارد، بدین صورت که هر چه سن ازدواج زنان بیشتر می شود از میزان اختلاف سنی زوجین کاسته می گردد. در این بررسی اختلاف سن زوجین را به تفکیک سن زنان در ازدواج مورد محاسبه قرار دادیم که نتایج آن در نمودار ذیل منعکس است.

نمودار ۲: اختلاف سن ازدواج زوجین بر حسب سن ازدواج زنان در سال ۱۳۸۱



تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن ۱۱۷

با مراجعه به این نمودار مشاهده می شود که اختلاف سن زنانی که در سن ۱۴ سالگی ازدواج کرده اند با همسرانشان بطور متوسط ۹ سال است در صورتیکه این رقم در مورد زنانی که در سن ۲۵ سالگی ازدواج کرده اند به ۲ سال می رسد.

ارزیابی عوامل جمعیتی موثر بر تحولات سن ازدواج زنان در ایران

از جمله عوامل جمعیتی تاثیر گذار بر تحولات سن ازدواج زنان در ایران، محل سکونت در شهر یا روستا، میزان سواد تحصیلات، قومیت و درجه توسعه یافتگی هستند که در این قسمت به ارزیابی و تجزیه و تحلیل تاثیر هر یک از این عوامل در سن ازدواج زنان می پردازیم.

الف: رابطه بین سن ازدواج و محل سکونت در شهر یا روستا

در جدول شماره ۲ میانگین سن ازدواج زنان به تفکیک نقاط شهری و روستایی در سالهای ۸۱-۱۳۴۵ مورد محاسبه قرار گرفته است. چنانکه ارقام این جدول نشان می دهد در تمامی سالهای مورد مطالعه (۸۱-۱۳۴۵) میانگین سن ازدواج زنان ساکن نقاط شهری بیش از زنان روستائین است. ولی به مرور زمان از میزان این تفاوت کاسته شده و از ۱/۱ سال در ابتدای دوره (۱۳۴۵) به ۰/۱ سال در انتهای دوره (۱۳۸۱) رسیده است. با توجه به این روند می توان گفت که میزان تاثیر محل سکونت در سن ازدواج در حال کاهش است. البته می بایست متذکر شد که واریانس سن ازدواج زنان در شهرها خیلی بیشتر از زنان روستائین است. یعنی در نقاط شهری زنان هم در سنین خیلی پایین و هم در سنین خیلی بالا ازدواج می کنند.

توسعه وسایل ارتباط جمعی، افزایش میزان سواد و تحصیلات دختران در روستاها، کم شدن میزان باروری و بعد خانوار، بهبود وضع اقتصادی روستائینان و مهاجرت پسران جوان به شهرها و کم شدن شانس ازدواج دختران روستائین، از عوامل عمده نزدیک شدن میانگین سن ازدواج دختران روستائین به دختران شهر نشین به شمار می روند.

طی سالهای ۸۱-۱۳۴۵ میانگین سن ازدواج دختران در نقاط شهری با ۴/۵ سال افزایش همراه است، در صورتیکه در مورد دختران روستائی ۵/۵ سال افزایش نشان می دهد. بنابراین می توان گفت که تحولات عمده اقتصادی اجتماعی در کشور باعث توسعه فرهنگی و بهبود وضعیت روستاهای کشور شده بطوریکه دختران روستائین نیز کمتر تمایل به ازدواج زودرس دارند.

ب: رابطه بین سن ازدواج، سواد و تحصیلات

بین میانگین سن ازدواج زنان و سواد آنها ارتباط وجود دارد. بطوریکه در تمامی سالهای سرشماری سن متوسط ازدواج زنان باسواد، بیش از زنان بی سواد است و این فاصله در سال ۱۳۸۱ وسیع تر نیز شده است. علت این امر، افزایش سطح تحصیلات زنان است (جدول ۲).

در محاسبه دیگری میانگین سن ازدواج زنان و مردان در سطوح مختلف تحصیلی در سال ۱۳۸۱ (در این آمارگیری فقط جدول تقاطعی سطح تحصیلات با تعداد مجردین وجود داشته) حساب شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که به همراه افزایش سطح تحصیلات زنان و مردان بر میانگین سن ازدواج آنها افزوده می‌شود. بطوریکه تفاوت سن ازدواج زنان با تحصیلات عالی نسبت به سن ازدواج زنان بیسواد ۴/۹ سال و همین رقم برای مردان مساوی ۵/۱ می باشد.

جدول ۲: میانگین سن ازدواج زنان به تفکیک مناطق شهری و روستایی و باسواد و بیسواد در سالهای ۱۳۸۱-۱۳۴۵

| سال | ۱۳۴۵ | ۱۳۵۵ | ۱۳۶۵ | ۱۳۷۵ | ۱۳۸۱ |
|-----------------|------|------|------|------|------|
| مناطق | | | | | |
| مناطق شهری | ۱۹ | ۲۰/۲ | ۲۰/۲ | ۲۲/۵ | ۲۳/۵ |
| مناطق روستایی | ۱۷/۹ | ۱۹/۱ | ۱۹/۶ | ۲۲/۳ | ۲۳/۴ |
| وضع سواد | | | | | |
| باسواد | ۱۹/۳ | ۲۰/۱ | ۲۰/۶ | ۲۲/۸ | ۲۳/۷ |
| بیسواد | ۱۷/۲ | ۱۷/۸ | ۱۸/۳ | ۱۹/۶ | ۲۰/۲ |

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵-۱۳۴۵ و ۱۳۸۱

ج: رابطه بین سن ازدواج و قومیت

یکی دیگر از متغیرهای موثر در سن ازدواج، قومیت است. در آمارگیری سال ۱۳۸۱ قومیت افراد مورد پرسش قرار گرفته و جدول مربوط به ارتباط سن ازدواج و قومیت افراد ارائه شده است که توسط این آمار، میانگین سن ازدواج زنان و مردان به تفکیک قومیت های مختلف مورد محاسبه قرار گرفته و در جدول ۳ منعکس است.

طبق آمار بدست آمده، سن متوسط ازدواج زنان در میان قوم بلوچ و کرد کمتر از سایر اقوام (به ترتیب برابر ۲۰/۸ و ۲۰/۹ سال) بوده و در عوض این رقم در بین گیلک ها و ترکمن ها (به ترتیب ۹

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن ۱۱۹

مساوی ۲۴/۹ و ۲۴/۵ سال) بیش از سایر اقوام بوده است. این ارتباط برای سن ازدواج مردان نیز وجود دارد و همچنان کمترین و بیشترین رقم به افراد بلوچ و گیلک تعلق دارد.

در بین اقوام مختلف علاوه بر ویژگیهای فرهنگی، سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی نیز در تحولات سن ازدواج موثر است. گیلک ها چون در مناطق و استانهای توسعه یافته ساکن هستند، وضعیت اقتصادی اجتماعی بهتری دارند و ضریب شهرنشینی و سطح سواد و تحصیلات زنان در این مناطق بالاست. ولی قوم بلوچ در استانهای محروم ساکن بوده و وضعیت اقتصادی اجتماعی پایین تری دارند.

جدول ۳: میانگین سن ازدواج زنان و مردان بر حسب قومیت در سال ۱۳۸۱

| قومیت | زن | مرد | متوسط اختلاف سن زوجین |
|-----------|------|------|-----------------------|
| بلوچ | ۲۰/۸ | ۲۳/۹ | ۲/۱ |
| لر | ۲۰/۹ | ۲۵ | ۴/۱ |
| ترک | ۲۲/۱ | ۲۵/۳ | ۳/۲ |
| کرد | ۲۳ | ۲۵/۷ | ۲/۷ |
| عرب | ۲۳/۴ | ۲۴/۸ | ۱/۴ |
| فارس | ۲۳/۴ | ۲۵/۷ | ۲/۳ |
| مازندرانی | ۲۴/۱ | ۲۵/۸ | ۱/۷ |
| ترکمن | ۲۴/۵ | ۲۵/۹ | ۱/۴ |
| گیلک | ۲۴/۹ | ۲۶/۵ | ۱/۶ |
| کل | ۲۳/۲ | ۲۵/۹ | ۲/۷ |

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱

د- رابطه سن ازدواج با شاخص توسعه

در این بررسی استانهای کشور را بر اساس درجه توسعه یافتگی (شاخص های توسعه انسانی استانهای مختلف کشور توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی محاسبه شده و نتایج آن در کتاب توسعه

انسانی مندرج است)، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸: ۴۹) به ۵ گروه از توسعه یافته در حد بالا تا توسعه نیافته^۱ طبقه بندی کرده و میانگین سن ازدواج را در هر یک از این گروهها مورد محاسبه قرار دادیم. نتایج بدست آمده به شرح جدول ذیل است. چنانکه ملاحظه می شود با افزایش ضریب توسعه یافتگی بر میانگین سن ازدواج زنان افزوده می شود. بنابراین می توان گفت که شاخص توسعه یافتگی یکی از مهمترین متغیرهای مداخله گر در میانگین سن ازدواج زنان به حساب می آید. آزمون F نیز تفاوت معناداری سن ازدواج زنان بین مناطق مختلف کشور را تایید می کند.

جدول ۴- میانگین سن ازدواج زنان در مناطق مختلف کشور با ضرایب توسعه از بالا به پایین در سال ۱۳۷۵

| مناطق | میانگین سن ازدواج زنان |
|------------------------------------|------------------------|
| استانهای با ضریب توسعه خیلی بالا | ۲۳/۵ |
| استانهای با ضریب توسعه بالا | ۲۲/۱ |
| استانهای با ضریب توسعه در حد متوسط | ۲۱/۳ |
| استانهای با ضریب توسعه ضعیف | ۱۹/۵ |
| استانهای توسعه نیافته | ۱۷/۳ |
| کل استانها | ۲۲/۴ |

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱

در تحلیل رگرسیونی چند متغیره، شاخص های، میزان باسوادی زنان، ضریب اشتغال به تحصیل زنان در سطوح مختلف تحصیلی، میزان باسوادی مردان، میزان اشتغال زنان در بخشهای صنعت و خدمات، ضریب شهرنشینی و نسبت جنسی در استانهای مختلف به عنوان متغیرهای مستقل و میانگین سن ازدواج زنان را به عنوان متغیر تابع در یک مدل رگرسیونی قرار دادیم.

^۱ گروه اول- استانهای تهران، قم، اصفهان، فارس، یزد با ضریب توسعه ۰/۸۴۲-۰/۸۷۷

گروه دوم- استانهای گیلان، سمنان، مرکزی، کرمانشاه، خوزستان با ضریب توسعه ۰/۷۴۶-۰/۷۵۹

گروه سوم- استانهای کرمان، مازندران، آذربایجان شرقی، بوشهر، اردبیل با ضریب توسعه ۰/۷۳۹-۰/۷۰۵

گروه چهارم- استانهای خراسان، هرمزگان، چهارمحال بختیاری، لرستان، ایلام با ضریب توسعه ۰/۶۹۸-۰/۶۷۵

گروه پنجم- استانهای آذربایجان غربی، زنجان، همدان، کهگیلویه و بویر احمد، کردستان، سیستان و بلوچستان

با ضریب توسعه ۰/۶۵۰-۰/۵۴۵

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن ۱۲۱

در این روش جهت سنجش اثر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر تابع، به روش قدم به قدم، این متغیرها در معادله رگرسیون چند متغیره قرار داده شدند. در مرحله آخر به غیر از متغیرمیزان باسوادی مردان کلیه متغیرها در معادله رگرسیون باقی ماندند. نتیجه بیانگر اینست که سن ازدواج زنان در استانهای مختلف کشور با شاخص های میزان باسوادی و اشتغال به تحصیل زنان، میزان اشتغال زنان در بخشهای صنعت و خدمات و ضریب شهرنشینی رابطه مستقیم دارد.

نتیجه گیری

نتایج این بررسی نشان می دهد که سن متوسط ازدواج زنان در ایران طی ۳۶ سال گذشته با تحول چشمگیری مواجه بوده و از رقم ۱۸/۴ سال در سال ۱۳۴۵ به ۲۳/۲ سال در سال ۱۳۸۱ رسیده و به احتمال قوی طی سالهای اخیر (۱۳۸۱-۱۳۸۴) بر این رقم نیز افزوده شده است، در صورتیکه سن متوسط ازدواج مردان فقط ۰/۹ سال افزایش یافته (از ۲۵ سال به ۲۵/۹ سال رسیده) است.

به عبارت دیگر می توان گفت که جامعه ما طی دهه های اخیر انتقال میانگین سن ازدواج زنان و تغییر در ترکیب جنسی افراد ازدواج نکرده را تجربه نموده بطوریکه میانگین سن ازدواج زنان از گروه سنی ۱۹-۱۵ سال به گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله افزایش یافته و بدنبال آن با افزایش نسبتهای مجرد قطعی و درصد زنان ازدواج نکرده روبرو است. در ایران علیرغم پایین بودن سن قانونی ازدواج دختران (۱۳ سال) و تشویق ها و ترغیب هایی که از طرف دولت و مسئولین کشور جهت تسهیل امر ازدواج برای جوانان بعمل می آید میانگین سن ازدواج زنان با افزایش همراه است.

ارتباط بین میانگین سن ازدواج زنان با محل سکونت آنها رو به کاهش است بطوریکه اختلاف این رقم بین مناطق شهری و روستائی در سال ۱۳۴۵ برابر ۲/۹ سال بود و در سال ۱۳۸۱ به ۰/۹ سال رسیده است. اشاعه تحصیلات در روستاها برای دختران، مکانیزه شدن کشاورزی و عدم نیاز به کار دختران و زنان، کاهش میزان باروری و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده های روستائی، توسعه وسایل ارتباط جمعی، افزایش سطح فرهنگی و آگاهی های خانواده های روستائی، مهاجرت پسران جوان روستائی به شهرها و کاهش شانس ازدواج دختران روستائی از جمله مهمترین دلایل افزایش نسبی سن ازدواج زنان در نقاط روستائی محسوب می شوند. تحولات سن ازدواج زنان در ایران با سواد و تحصیلات آنها ارتباط دارد، بطوریکه با افزایش سطح تحصیلات زنان بر سن ازدواج آنها افزوده می گردد. میانگین سن ازدواج زنان

باسواد و بیسواد در سال ۱۳۸۱، ۳/۵ سال اختلاف داشته است. همچنین در بین باسوادان از دوره ابتدائی تا دوره دکترا ۱/۶ سال تفاوت در میانگین سن ازدواج وجود دارد. سن ازدواج با قومیت افراد نیز ارتباط دارد. کمترین سن متعلق به قوم بلوچ (۲۰/۸ سال) و بیشترین سن مربوط به قوم گیلک (۲۴/۹ سال) است.

درجه توسعه یافتگی استانهای کشور در تغییرات سن ازدواج زنان موثر است. بین میانگین سن ازدواج زنان در استانهای با ضریب توسعه خیلی بالا و استانهای با ضریب توسعه خیلی پائین در سال ۱۳۷۵، ۱/۱ سال اختلاف وجود دارد. با توجه به اینکه شاخص توسعه انسانی استانهای کشور با سه متغیر سواد و تحصیلات، میزان اشتغال به کار زنان و امید به زندگی محاسبه می شود، می توان گفت که افزایش توانمندی زنان در سطح خرد و بهبود وضعیت اقتصادی اجتماعی جامعه در سطح کلان باعث افزایش سن ازدواج زنان در ایران شده است.

در اینجا باید متذکر شد که افزایش بی رویه سن ازدواج نیز نمی تواند همواره به عنوان توسعه یافتگی جامعه تلقی گردد. تا زمانی که این افزایش خود خواسته بوده و به دلیل کسب مهارت های علمی، فنی و اجتماعی باشد و در نهایت به محدود شدن شانس و فرصت ازدواج دختران منجر نگردد، می تواند نشانه ای از توسعه یافتگی و افزایش شاخصهای توسعه در جامعه بحساب آید. ولی اگر افزایش سن ازدواج متأثر از عوامل غیر خود خواسته از جمله موانع و محدودیت های اجتماعی و عدم تعادل در نسبت های جنسی (مضیقه ازدواج برای دختران) باشد، باعث بروز انواع آسیب ها و مسائل و مشکلات اجتماعی خواهد گردید بنابراین می بایست از طریق مطالعات علمی به شناخت ضریب تاثیر هر یک از عوامل فوق در افزایش سن ازدواج دختران پرداخت تا با برنامه ریزی صحیح بتوان شرایط لازم جهت ازدواج دختران در سن مطلوب را تحقق بخشید.

برنامه ریزی ها و سیاستگذاری های دولت در مورد ازدواج و ترغیب جوانان به ازدواج باید در جهت حل بسیاری از مسائل فوق الذکر باشد. تجربه ثابت کرده است هر زمان دولتها با دخالت مستقیم خواسته اند در سامان دهی امور فرهنگی نقش داشته باشند، اکثرا به عنوان عامل بازدارنده عمل کرده اند. شاهد مثال در مورد ازدواج می تواند، تعیین حداقل سن قانونی برای ازدواج و حتی کاهش آن بعد از انقلاب اسلامی باشد که توانسته در مقابل تحولات و تغییرات زیر بنائی جامعه اندک نقشی داشته باشد.

تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن ۱۲۳

فرهنگ سازی و تقویت بنیان های فرهنگی جهت کاهش مهریه و هزینه های ازدواج، توسعه اقتصادی و افزایش اشتغال زائی در جامعه، کاهش تورم و نظارت بر تثبیت قیمتها، نظارت بر مهاجرت های بی رویه و توسعه ناموزون شهرهای بزرگ، توسعه خدمات حمایتی و نظارتی در مورد خانواده های آسیب پذیر، ایجاد مراکز مشاوره قبل از ازدواج، توسعه مراکز فرهنگی تفریحی جهت افزایش روابط غیر رسمی و چهره به چهره، به میزان خیلی زیادی می تواند در تعدیل سن ازدواج دختران نقش اساسی داشته باشد.

منابع

آشفته تهرانی، امیر(۱۳۷۵) «آمارهای زیستی در ایران و جهان»، تهران، فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال، ش ۱۵ و ۱۶. آندره، میشل (۱۳۵۴) *جامعه شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

بهنام، جمشید و شاپور راسخ(۱۳۴۸) *مقدمه ای بر جامعه شناسی ایران*، تهران: خوارزمی.

تیلر، هوارد. سی(۱۳۶۸) *باروری و جمعیت*، ترجمه زهرا پور انصاری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ساروخانی، باقر(۱۳۷۰) *مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده*، تهران: سروش.

سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸) «اولین گزارش ملی توسعه انسانی»، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی و انتشارات.

گیدنز، آنتونی(۱۳۷۳) *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.

مرکز آمار ایران(۱۳۸۳) *تحلیلی بر ویژگیهای ازدواج در ایران*، چاپخانه مرکز آمار ایران، دفتر انتشارات و اطلاع رسانی.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۱) «آمارگیری از ویژگیهای اجتماعی اقتصادی جمعیت خانوار»، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

مرکز آمار ایران (۷۵-۱۳۴۵) «نتایج سرشکاری عمومی نفوس و مسکن»، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

موسوی بلادی، صدرالدین(۱۳۷۸) «بررسی تحول ازدواج در ایران»، تهران، فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال، ش ۲۷ و ۲۸.

Aghajanian, Akbar (1997) *family & family change in Iran*, In Charles B. Hennon & Timothy H. Brubaker (eds) *Diversity in Families: A Global perspective*, New York, Wad worth publishing Company.

Aghajanian, A and Mehryar, A. H. (1999) "Fertility contraceptive use and Family planning Program activity in the Islamic Republic of Iran, 1976-1996", *International Family Planning Perspective*.

Goode, William (1963) *World Revolution & Family Patterns*, New York, Free press.

مؤلف

شهلا کاظمی پور: عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران

پست الکترونیک: shkazemi@ut.ac.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی